

خراسان شمالی		<div> <div> روزنامه خراسان شمالی: گروه چهارم نشریات روزنامه‌های اقتصادی،فرهنگی،اجتماعی خراسان شمالی چهارشنبه ۸ برادراد ۱۳۹۹ دی الحجه ۱۴۲۱ شماره ۳۳۳۱</div></div>		<div> <div>صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان</div> <div>مدیر مسئول: محمد سعید احدیان</div> <div>سرمدیر: علی ولیزاده</div> <div>دفتر مرکزی: مشهد، مشهدالشهدصادقی(سازماناب)</div> <div>پایته: ۲۰۰۰۹۹۹ چاپ:هرچاپ خراسان</div></div>	<div> <div>صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵</div> <div>تلفن: ۰۵۱-۳۷۳۳۰۰۰</div> <div>نمابریندرخانه: ۰۵۱-۳۷۲۱۳۹۵</div> <div>دفتر مرکزی پدیرش اکتهی: ۳۲۲۴۵۰۰۵</div></div>	<div> <div>آدرس: بخورد، خیابان طالقانی غربی، خیابان سسده به لیاف، سسده به لیاف ۱۶، کوچه دوم، پلاک ۹</div> <div>تلفن اشتراکه: ۰۵۱-۳۲۲۳۰۰۰</div> <div>کدپستی: ۹۴۱۵۵۵۶۵۱۶</div> <div>دفتر مرکزی پدیرش اکتهی: ۳۲۲۴۵۰۰۵</div></div>	<div> <div>تحریرید: ۳۲۲۴۷۲۲۲-۳۲۲۴۲۲۱۱</div> <div>نمابر: ۳۲۲۴۷۲۲۲۲</div> <div>مسئول تحریریه: ۳۲۲۴۰۰۰۰</div> <div>تلفن ونمابرسرپرست: ۳۲۲۴۰۰۰۱۴</div></div>	حوادث
---------------------	--	--	--	--	---	--	--	--------------

گزارش خبری

تکدی گری پشت چراغ قرمز

صدیقی- خیز برداشته اند و منتظر فرمان ایست چراغ قرمز هستند. هر کدام یک طرف از چهارراه را قرق و انگار برای خود قلمرو تعیین کرده اند تا مبادا دیگری پا در حریم آن بگذارد و سکه ای در دخل شان کم شود. لباس های کهنه ای بر تن دارند. یکی اسپند به دست و دیگری چند شاخه گل و یکی هم کودکی به پشت دارد. چراغ قرمز که می شود کار شروع می شود هر کدام با یک شغل خودرو را نشان می کنند تا با دود اسپند و کمی خواوش کنند. از یک طرف رانندگان از ترس «کرونا ویروس» اغلب شیشه های خودروی خود را با بالا کیپ کرده اند تا هم جلوی گرما و هم جلودی ورود احتمالی «کرونا ویروس» به داخل خودرو را بگیرند اما متکدیان سمج دست بردار نیستند. شاید در برخی چهارراه ها متکدی وجود داشته باشند اما این چهارراه قصه دیگری دارد و از سوی چندین متکدی که همه اعتیاد و سابقه طولانی در این کار دارند، فرق شده است.۴۰ نفر که هر کدام گوشه ای از چهارراه را احاطه کرده اند نیم خیز هستند و چشم به چراغ قرمز دوخته اند تا فرمان ایست را برای خودروها صادر کنند.

بالاخره تیک تاک ساعت چراغ قرمز شروع می شود متکدیان که یکی اسپند و دیگری کاسه دخلی در دست دارد و آن یکی زن مسنی است که کودکی به پشت خود بسته و دیگری به اهستگی به سوی خودروها هجوم می برند تا با ترفندهای مختلف دل رانندگان را نرم و چند اسکناس را از آن خود کنند. کودک بیبوا از فرط خستگی و تشنگی و البته گرمای هوا سرش به سمت پایین خم شده و نانی در نداد و پیرزن هر چند دقیقه یک بار کودک را به بالا می کشد تا سرش راست شود اما موفق است چون کودک بی رمق تر از آن است که سرش را بالا نگه دارد و اطراف را نظاره کند. البته گفته می شود اکثر متکدیان این چهارراه بارها سابقه به کمپ رفتن را دارند که به گفته یکی از متکدیان آقا که یک پایش به واسطه بیماری اش ورم کرده به اندازه سن و سالش سابقه به کمپ رفتن دارد. وقتی به پیرزن و کودک روی پشت اش نزدیک می شوم تا حال وی را جویا شوم می گوید: «می بینی که این حال و روز من و بصرم است! نه سرپناهی دارم و نه درآمدی که بتوانم روی آن حساب باز کرد، همسر چند سال پیش من و فرزندم را ول کرد و رفت». وقتی از پیرزن سوال می کنم آیا واقعا کودکی که به پشت اش بسته فرزندش است؟ ناگهان خودش را جمع می کند و با تعجب و نگاه خاصی به من پاسخ می دهد: «مامور هستی؟» جواب می دهم: «نه چون به سن و سالت نمی خورد که کودکی به این خردسالی داشته باشی.» پیرزن خمار پاسخ می دهد: «بچه فعلا به پشت ام بسته شده و حال خوبی هم ندارد. راستش بچه همسایه ماست، مادرش مریض است و توان حرکت و کار کردن را ندارد! من بچه را بعضی از مواقع با خودم می آورم تا دل مرد بسوزد و بیشتر کمک کنند. هم هم آخر سر کسی از پول دخلم را به مادر بچه می دهم تا هم به نوایی برسد و از گرسنگی نمیرد و هم به پولی برسم و خرج تنها فرزندم را بدهم.» دوباره چراغ قرمز می شود. پیرزن سراسیمه و بدون توجه به من خود را به خودروهای گیر افتاده در پشت چراغ می رساند و روز از نو گدایی از نو؛ نه ترسی از «کرونا ویروس» دارد و نه توان رعایت مباحث بهداشتی را.



ماجرای دختری در یک پوسته بدخیم

آواره کوچه و خیابان می شود. زن جوان با چشمانی اشک آلود می گوید: نمی دانم این چه سرنوشت سیاهی بود که قسمت من شد. شوهرم که اصلاً غیرت در وجودش پیدا نمی شد و حاضر بود برای به دست آوردن هزینه موادش دست به هر کار بی شرمانه ای بزند و شوهر دختر خاله ام که فکر می کردم از من حمایت می کند، از شوهر سابقم بی رحم تر بود. بعد از فرار از خانه دختر خاله ام مدتی آواره کوچه و خیابان بودم تا این که روزی به خاطر خیابان کردی دستگیر شدم. وقتی در پناه قانون آرام گرفتم همه ماجرا را برای آن ها شرح دادم و بعد از شکایت آن ۲ هیولا دستگیر شدند تا قانون درباره آن ها تصمیم بگیرد. به خاطر بی پناهی مدتی است توسط یک نهاد حمایتی و دولتی تحت حمایت قرار گرفته ام تا برای آینده خودم با کمک مشاوران آن مرکز تصمیم درستی بگیرم.

ببیند اگر موضوع پسرش در بین اهالی روستا درز پیدا کند عواقب بدی در انتظار آن دختر و پسر شیطان صفت اش است، تصمیم می گیرم هر چه زودتر دختر جوان را به عقد موقت پسرش درآورم تا گذشت زمان مشکل را حل کند. دختر جوان به اجبار تن به ازدواج با پسری که دامش را لکه دار و آینده اش را سیاه کرده است، می دهد اما این پایان بدبختی ها و مشکلات او نیست. بعد از ازدواج زن جوان آن روی سکه و چهره واقعی شوهرش آشکار می شود و می بیند علاوه بر اعتیاد رفتارهای ناهنجار دیگری هم دارد. مرد جوان به خاطر ازدواج اجباری و اعتیادش به مواد صنعتی اصلا دل به کار و زندگی زناشویی نمی دهد و مدام همسر جوانش را به بهانه های مختلف به باد کتک می گیرد تا درخواست های نامشروع او را اجابت و هزینه موادش را با کار کردن سر زمین های مردم جور کند. آزار و

اذیت زن جوان مدت ها ادامه می یابد. زن جوان بعد از پایان زمان عقد موقت شان

روزی در غیاب شوهرش از خانه فرار

می کند و راهی شهر و خانه دختر

خاله اش می شود تا مدتی در کنار

خاله او آرام گیرد و کاری برای خودش

دست و پا کند که دوباره حيله های

شیطانی یک نفر دیگر دامن او را می

گیرد. روزی زن جوان در غیاب دختر

خاله اش اسیر توطئه شوهر او می شود

و مورد آزار و اذیت قرار می گیرد و

از آن خانه به ظاهر امن پا به

فرار می گذارد و

صدیقی

هنوز برای آینده اش نقشه می کشید که در تله یک پسر افتاد. دختر جوان از تله اول با سختی فراوان رها و در تله شیطانی یک مرد دیگر گرفتار و دوباره آواره کوی و برزن می شود. هنوز در رویاهایش غرق بود که با یک اتفاق دردناک رویاهایش رنگ باختند. خانواده اش از نظر اقتصادی ضعیف بودند و او تک فرزند خانواده بود. نتوانست بیشتر از مقطع سرتی از ادامه تحصیل دهد و بعد از آن خانه داری و از پدر و مادر پیرش مراقبت می کرد. ۱۴ سال داشت که پدر و مادرش به فاصله کمی از یکدیگر به به خاطر یک بیماری سخت چشم از جهان فروبستند.

بعد از فوت پدر و مادرش، به خاطر تنهایی و صلاحیدی یکی از بستگان راهی خانه او می شود که تا زمان ازدواج در آن جا کار روی زمین های کشاورزی زندگی کند. دختر که چاره ای جز اطاعت از قایل اش ندارد تن به خواسته های او می دهد تا ببیند روزگار چگونه سپری می شود. مدتی در کنار این خانواده با مشکلات مختلف می سازد اما این تازه ابتدای مشکل و دردرهای اوست. دختر جوان روزی در نبود کار کشاورزی و در غیاب اعضای خانواده قایل اش مشغول خانه داری می شود تا تدارک ناهار را ببیند. همان طور که آفتاب به نیمه آسمان می رسد ناگهان یک سایه در پشت سرش احساس می کند و تا به خودش می آید غافلگیر و نقش

بر زمین می شود. هر چقدر تلاش و گریه و التماس می کند که پسر صاحبخانه کاری به کارش نداشته باشد، بی فایده است و مورد آزار و اذیت قرار می گیرد. بعد از این اتفاق شوم دختر با تهدید پسر خانواده مهر خاموشی بر لب می زند و به خاطر این کار دچار افسردگی و گوشه نشین می شود. مرد خانواده متوجه رفتارهای عجیب دختر می شود و می بیند او در تنهایی اش مدام گریه می کند. ماجرای گریه های دختر جوان را با زنش در میان می گذارد تا ببیند داستان از چه قرار است که خیلی زود متوجه حقیقتی تلخ می شود و کامه چه کم در دست می گیرد. وقتی می

خراسان شمالی		<div> <div>روزنامه خراسان شمالی: گروه چهارم نشریات روزنامه‌های اقتصادی،فرهنگی،اجتماعی خراسان شمالی چهارشنبه ۸ برادراد ۱۳۹۹ دی الحجه ۱۴۲۱ شماره ۳۳۳۱</div></div>		<div> <div>صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان</div> <div>مدیر مسئول: محمد سعید احدیان</div> <div>سرمدیر: علی ولیزاده</div> <div>دفتر مرکزی: مشهد، مشهدالشهدصادقی(سازماناب)</div> <div>پایته: ۲۰۰۰۹۹۹ چاپ:هرچاپ خراسان</div></div>	<div> <div>صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵</div> <div>تلفن: ۰۵۱-۳۷۳۳۰۰۰</div> <div>نمابریندرخانه: ۰۵۱-۳۷۲۱۳۹۵</div> <div>دفتر مرکزی پدیرش اکتهی: ۳۲۲۴۵۰۰۵</div></div>	<div> <div>آدرس: بخورد، خیابان طالقانی غربی، خیابان سسده به لیاف، سسده به لیاف ۱۶، کوچه دوم، پلاک ۹</div> <div>تلفن اشتراکه: ۰۵۱-۳۲۲۳۰۰۰</div> <div>کدپستی: ۹۴۱۵۵۵۶۵۱۶</div> <div>دفتر مرکزی پدیرش اکتهی: ۳۲۲۴۵۰۰۵</div></div>	<div> <div>تحریرید: ۳۲۲۴۷۲۲۲-۳۲۲۴۲۲۱۱</div> <div>نمابر: ۳۲۲۴۷۲۲۲۲</div> <div>مسئول تحریریه: ۳۲۲۴۰۰۰۰</div> <div>تلفن ونمابرسرپرست: ۳۲۲۴۰۰۰۱۴</div></div>	حوادث
---------------------	--	---	--	--	---	--	--	--------------

تبدیل ساختمان نوساز به پاتوق معتادان

صدیقی- لوله کشی یک ساختمان نوساز از سوی یک متصدی فنی کار فرصت طلب ماجرای عجیبی را برای صاحبخانه رقم زد. صاحبخانه بعد از گذشت چند روز به خیال این که کار لوله کشی ساختمان تمام شده وقتی پا در خانه نوسازش گذاشت با صحنه عجیب هپروتی ها مواجه شد. بنا بر اظهارات صاحب ملک ماجرا از این قرار است که وی بعد از احداث ساختمانش، کار لوله کشی را به خاطر دستمزد پایین به یک فنی کار معتاد می سپارد. لوله کش هیروتی با زبان بازی کلید ساختمان نوساز را از صاحب ملک می گیرد و از وی می خواهد بعد از یک هفته سرگ وی و ساختمانش را بگیرد. صاحب ملک هم که در خیال خودش استادکار ارزان قیمتی پیدا کرده در پوست خود نمی تنجد و به دنبال کارهای عقب افتاده اش می رود. لوله کش معناد بعد از این اتفاق دوستی هیروتی اش را در جریان می گذارد تا از ازی دریافت مبلغی از برخی افراد بی جا و مکان برای مصرف مواد، خانه را برای چند شب در اختیار آن ها بگذارد. خیلی طول نمی کشد که ساختمان نوساز به پاتوق افراد لالابالی و معتاد تبدیل می شود. صاحبخانه بعد از گذشت مدتی، یک روز بی خبر و بدون اطلاع قبلی سری به ساختمان نوساز چند طبقه اش می زند تا روند پیشرفت کار از نزدیک مشاهده کند. زمانی که صاحب ملک وارد اولین طبقه می شود با افراد غریبه مواجه می شود که در خانه دراز کشیده اند و چند نفر دیگر در حال مصرف مواد هستند. ابتدا از تعجب

خبر

دستبند قانون، دامن گیر آتش افکن مراتع

فرمانده انتظامی شهرستان اسفراین از دستگیری عامل اصلی آتش سوزی مراتع در محور اسفراین- سبزوار خبر داد.
سرهنگ «مجید یگانه پور» با اعلام جزئیات این خبر، اظهارکرد: در پی وقوع چندین فقره آتش سوزی مراتع و محصولات کشاورزی در محور اسفراین به سبزوار، ماموران انتظامی پاسکاه عباس آباد موضوع را به جدیت و دستور کار خود قرار دادند.وی با اشاره به این که در این خصوص، ماموران، گشت زنی هدفمند در مناطق احتمالی آتش سوزی و همچنین اقدامات فنی و پلیسی را با نهایت

آکتهی ابلاغ قرارداد بانکی کلاسه ۹۹۰۰۲۰۷

بدین وسیله به آقای حیدرعلی پورتوپکانلو فرزند برات به شماره ملی ۰۸۲۸۹۲۳۴۸۵ و شماره شناسنامه ۱۲۳۰ ساکن شیروان خیابان جوادالاکمه کوچه شهید زنده دل پلاک ۱۰ ابلاغ می شود که بانک صادرات آشفخانه به استناد قرارداد بانکی شماره ۱۳۹۴/۰۸/۲۴-۹۴۶۵۰۸۸۸۸۹۴ جهت وصول مبلغ ۱۸۶/۱۱۸/۷۴۲ ریال بابت اصل و مبلغ ۲۵/۰۵۲/۲۱۲ ریال خسارت تأخیر که جمعا به مبلغ ۲۱۱/۱۷۰/۹۵۴ ریال تا تاریخ ۱۳۹۹/۰۴/۰۹ دهکامی می باشد و مبلغ ۱۴۷/۴۷۲ ریال خسارت تأخیر روزانه از تاریخ مذکور تا روز تسویه کامل بدهی طبق مقررات علیه شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائی به کلاسه ۹۹۰۰۲۰۷ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مورخ ۹۹/۰۴/۱۷ مأمور پست، محل اقامت شما به شرح متن سند شناخته نشده، لذا بنا به تقاضای بستاناکار طبق ماده ۱۸ آئین نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار محلی آکتهی می شود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آکتهی که روز ابلاغ محسوب می گردد، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، عملیات اجرائی جریان خواهد یافت.
تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۰۵/۰۸

صمد ابراهیم زاده- رئیس ثبت اسناد و املاک شیروان

م الف/۷۱

۹۹۰۰۳۱۷۶۳/

آکتهی ابلاغ قرارداد بانکی کلاسه ۹۹۰۰۲۰۷

بدین وسیله به خانم اعظم شیردل فرزند غلامرضا به شماره ملی ۰۸۲۹۳۸۳۱۸۲ و شماره شناسنامه ۹۱۲ ساکن شیروان خیابان دانشگاه، دانشگاه ۳۶ نبوت ۴ پلاک ۱ ابلاغ می شود که بانک صادرات آشفخانه به استناد قرارداد بانکی شماره ۱۳۹۴/۰۸/۲۴-۹۴۶۵۰۸۸۸۸۹۴ جهت وصول مبلغ ۲۵/۰۵۲/۲۱۲ ریال خسارت تأخیر که جمعا به مبلغ ۲۱۱/۱۷۰/۹۵۴ ریال خسارت تأخیر روزانه از تاریخ مذکور تا روز تسویه کامل بدهی طبق مقررات علیه شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائی به کلاسه ۹۹۰۰۲۰۷ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مورخ ۹۹/۰۴/۱۷ مأمور پست، محل اقامت شما به شرح متن سند شناخته نشده، لذا بنا به تقاضای بستاناکار طبق ماده ۱۸ آئین نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار محلی آکتهی می شود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آکتهی که روز ابلاغ محسوب می گردد، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، عملیات اجرائی جریان خواهد یافت.
تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۰۵/۰۸

صمد ابراهیم زاده- رئیس ثبت اسناد و املاک شیروان

م الف/۶۹

۹۹۰۰۳۱۷۷۹/

آکتهی ابلاغ قرارداد بانکی کلاسه ۹۹۰۰۲۰۷

بدین وسیله به آقای شیرمحمد شیردل فرزند محمد به شماره ملی ۰۸۲۸۸۱۹۹۲۰ و شماره شناسنامه ۴۳۶ ساکن شیروان خیابان دانشگاه، دانشگاه ۳۶ نبوت ۴ پلاک ۴ ابلاغ می شود که بانک صادرات آشفخانه به استناد قرارداد بانکی شماره ۱۳۹۴/۰۸/۲۴-۹۴۶۵۰۸۸۸۸۹۴ جهت وصول مبلغ ۱۸۶/۱۱۸/۷۴۲ ریال بابت اصل و مبلغ ۲۵/۰۵۲/۲۱۲ ریال خسارت تأخیر که جمعا به مبلغ ۲۱۱/۱۷۰/۹۵۴ ریال خسارت تأخیر روزانه از تاریخ مذکور تا روز تسویه کامل بدهی طبق مقررات علیه شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائی به کلاسه ۹۹۰۰۲۰۷ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مورخ ۹۹/۰۴/۱۷ مأمور پست، محل اقامت شما به شرح متن سند شناخته نشده، لذا بنا به تقاضای بستاناکار طبق ماده ۱۸ آئین نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار محلی آکتهی می شود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آکتهی که روز ابلاغ محسوب می گردد، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، عملیات اجرائی جریان خواهد یافت.
تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۰۵/۰۸

صمد ابراهیم زاده- رئیس ثبت اسناد و املاک شیروان

م الف/۷۲

۹۹۰۰۳۱۷۷۲/

آکتهی ابلاغ قرارداد بانکی کلاسه ۹۹۰۰۲۰۷

بدین وسیله به خانم اكرم شیردل فرزند غلامرضا به شماره ملی ۰۸۲۹۸۳۱۵۱۷ و شماره شناسنامه ۹۹۸۱ ساکن شیروان خیابان دانشگاه، دانشگاه ۳۶ نبوت ۴ پلاک ۴ ابلاغ می شود که بانک صادرات آشفخانه به استناد قرارداد بانکی شماره ۱۳۹۴/۰۸/۲۴-۹۴۶۵۰۸۸۸۸۹۴ جهت وصول مبلغ ۱۸۶/۱۱۸/۷۴۲ ریال بابت اصل و مبلغ ۲۵/۰۵۲/۲۱۲ ریال خسارت تأخیر که جمعا به مبلغ ۲۱۱/۱۷۰/۹۵۴ ریال تا تاریخ ۱۳۹۹/۰۴/۰۹ دهکامی می باشد و مبلغ ۱۴۷/۴۷۲ ریال خسارت تأخیر روزانه از تاریخ مذکور تا روز تسویه کامل بدهی طبق مقررات علیه شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائی به کلاسه ۹۹۰۰۲۰۷ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مورخ ۹۹/۰۴/۱۷ مأمور پست، محل اقامت شما به شرح متن سند شناخته نشده، لذا بنا به تقاضای بستاناکار طبق ماده ۱۸ آئین نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار محلی آکتهی می شود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آکتهی که روز ابلاغ محسوب می گردد، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، عملیات اجرائی جریان خواهد یافت.
تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۰۵/۰۸

صمد ابراهیم زاده- رئیس ثبت اسناد و املاک شیروان

م الف/۷۴

۹۹۰۰۳۱۷۷۶/

آکتهی ابلاغ قرارداد بانکی کلاسه ۹۹۰۰۲۰۷

بدین وسیله به خانم زینب مراد بخش فرزند رضا به شماره ملی ۰۸۲۹۵۱۰۰۰۱ و شماره شناسنامه ۱۲ ساکن شیروان خیابان دانشگاه، دانشگاه ۳۶ نبوت ۴ پلاک ۴ که بانک صادرات آشفخانه به استناد قرارداد بانکی شماره ۱۳۹۴/۰۸/۲۴-۹۴۶۵۰۸۸۸۸۹۴ جهت وصول مبلغ ۱۸۶/۱۱۸/۷۴۲ ریال بابت اصل و مبلغ ۲۵/۰۵۲/۲۱۲ ریال خسارت تأخیر که جمعا به مبلغ ۲۱۱/۱۷۰/۹۵۴ ریال تا تاریخ ۱۳۹۹/۰۴/۰۹ دهکامی می باشد و مبلغ ۱۴۷/۴۷۲ ریال خسارت تأخیر روزانه از تاریخ مذکور تا روز تسویه کامل بدهی طبق مقررات علیه شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائی به کلاسه ۹۹۰۰۲۰۷ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مورخ ۹۹/۰۴/۱۷ مأمور پست، محل اقامت شما به شرح متن سند شناخته نشده، لذا بنا به تقاضای بستاناکار طبق ماده ۱۸ آئین نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار محلی آکتهی می شود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آکتهی که روز ابلاغ محسوب می گردد، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، عملیات اجرائی جریان خواهد یافت.
تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۰۵/۰۸

صمد ابراهیم زاده- رئیس ثبت اسناد و املاک شیروان

م الف/۷۴

۹۹۰۰۳۱۷۷۶/

آکتهی ابلاغ قرارداد بانکی کلاسه ۹۹۰۰۲۰۶

بدین وسیله به شرکت ارتباط بتن شرق شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۷۷۰ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۳۵۳۱۲۲ آقای جلال شیردل فرزند غلامرضا به شماره ملی ۰۸۲۹۴۰۷۰۸۱ به سمت رئیس هیأت مدیره و معاد آزاداده به کدملی ۰۶۸۱۹۴۵۳۲۱ به سمت مدیرعامل و سیدمصطفی کارآموز به کدملی ۰۹۳۳۲۰۲۴۷۶ به سمت نائب رئیس هیأت مدیره انتخاب گردیدند ساکن شیروان خانه های گنبدی، گنبدی نبوت، نبوت ۶ پلاک ۶ ابلاغ می شود که بانک صادرات آشفخانه به استناد قرارداد بانکی شماره ۱۳۹۳/۱۱/۱۸-۹۳۶۵۴۳۴۲۲۷۲ جهت وصول مبلغ ۱۲۶/۶۵۰/۲۵۰ ریال بابت اصل و مبلغ ۱۵/۳۵۲/۶۱۸ ریال خسارت تأخیر که جمعا به مبلغ ۱۴۲/۰۰۲/۸۶۸ ریال تا تاریخ ۱۳۹۹/۰۴/۰۹ دهکامی می باشد و مبلغ ۱۰۳/۸۱۱ ریال خسارت تأخیر روزانه از تاریخ مذکور تا روز تسویه کامل بدهی طبق مقررات علیه شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائی به کلاسه ۹۹۰۰۲۰۶ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مورخ ۹۹/۰۴/۱۷ مأمور پست، محل اقامت شما به شرح متن سند شناخته نشده، لذا بنا به تقاضای بستاناکار طبق ماده ۱۸ آئین نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار محلی آکتهی می شود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آکتهی که روز ابلاغ محسوب می گردد، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، عملیات اجرائی جریان خواهد یافت.
تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۰۵/۰۸

صمد ابراهیم زاده- رئیس ثبت اسناد و املاک شیروان

م الف/۶۶

۹۹۰۰۳۱۸۳۱/